

به بهانه ی جشن عروسی نازنین دخترم «آزاده»

### چنگ در چنگ چگور

هدایت باقری



سرخوشان حرم حضرت عشق ، همه سرمست از این رامش و آرامش رؤیای بنفش چنگ در چنگ چگورند و هم آوا با چنگ، آشتی با فلک و زهره و مریخ و زحل گل بگویند و بختند و نگویند ز چنگ گوششان گرم نوازش ز نوای دف و نی چشمشان می طلبد یک دو سه تا جرعه ی می تا تو لاجرعه بنوشی قدح بی در بی باش تا شیشه ی غم را به سر سنگ زنیم و سری نیز بدین، کوچی ی سادگی کودکی آهنگ زنیم

\*\*\*\*\*

و در این سوپر سترگ، شور شیرینی دیدار تو در دل داریم ای که گامت همه سبز ، هست در چشم تو یک خنده ی شیرین، پنهان به تماشایگه لبخند نهانت دل ما ، چشم بگشوده و امید تبسم دارد وامدار نگاهت، جان به لب آمدگان ای تو خورشید دل دیده به در دوختگان، بر فرور و بفروزان شب تتهایی ما بر سر سفره ی احساس، فرود آی که چشم، زیر پای تو به فرش آمده است جلوه ات رونق شادی دل مرغی عشق شوکت و خرمی گستره ی سبز نگاهت، جاوید، که ز خاک قدمت، نفس کوچک کنون، رایحه انگیز شده است و ز هُرم سخت، آنک ای دوست نگر ، که گیاه لب هر بام ، به بار آمده انگار طرب خیز شده است

هر دم ای همدم این خاطره ی شورانگیز، شادی ات افزون باد هرچه بادا باد، آیدون باد

ما به تازی از جان، و به بودی از دل، سایه بانی به بلندای محبت داریم و در این صحنه ی میدانک سرشار از شور، کلبه ای ساخته ایم روشن از پرتو سرچشمه ی مهر ماه، از روزنه ی سقف آلاچیق، فرود آمده تا، میزبانی کند این خلوت نواخته را با صفا کلبه ی بی رونق ما، که به رقص آمده بر شاخه ی آن، شبنم شوق، بی ریارت ز سپهر در و دیوار ترک خورده ی گل اندایش، هست یکدست ، به بی رنگی آب راستش می خواهی ، بیش و کم اندکی رنگارنگ باز، اما ، همگیشان هم رنگ \*\*\*\*\*

طرح: عصر مردم

## آیا حاضر جوابی هنر است؟



قدرت بیان خیلی خوب و سربزنگاه حرف زدن را به اصطلاح حاضر جوابی می گویند. بهادان زیاد به قدرت بیان همانقدر که قدرت اجتماعی افراد را زیاد و مدیریت آنها را بر مسائل بیشتر می کند، گاهی در فرد به اشتباه تب حاضر جوابی ایجاد می کند. باید خیلی مراقب باشسیم گاهی اوقات این حاضر جوابی در معنی بد خودش به کار می رود، بی ادبی می شود و گاهی اوقات نه، باعث نشاط آن جمع و خوشحالی می شود که در اینجا خوش مشربی می شود. مهم این است که ما این توانمندی را داشته باشسیم که تحت هر شرایطی بتوانیم پاسخگو باشیم وحالا بسته به نیازمان بتوانیم در صورت لزوم از آن استفاده کنیم.

#### آیا وقتش رسیده؟

شما باید یاد بگیرید که حاضر جوابی به معنی بیرون پراندن هر حرفی از دهان در یک لحظه نیست، درباره جواب دادن، به خودآگاهی و خودکنترلی برسید؛ آن هم با تمرین و تکرار این کار. وقتی شما عصبانی نیستید، حواستان به سن و سال و موقعیت و شرایط طرف مقابل هست و سکوت کردن فشار روانی زیادی را به شما تحمیل نمی کند؛ این موقعیت، زمان خوبی برای جواب دادن به فردی است که شما مجبورید به او پاسخ بدهید. اما گاهی مغرور شدن به خاطر حاضر جوابی ممکن است شما را محق جلوه دهد درحالی که حقی ندارید و حتی باعث آزار دیگران می شوید.

#### راه های جوابگویی را بشناسید

همه راههای جوابگویی را بشناسید تا به موقع از هر کدام آنها استفاده کنید. مثلا سکوت یکی از حرفه ای ترین جواب ها در برابر افرادی است که به اصطلاح به هیچ صراطی مستقیم نیستند. وقتی محیط، شما را فرد آگاهی بداند که در جواب یک رفتار یا حرف اشتباه سکوت معناداری می کند و ناراضیاتی از قیافه او پیداست، با کمترین چالشی نظر شما را می فهمند.

#### چه چیزی را تأیید می کنید

مراقب باشید که در حرف ها و پاسخ های خود چه چیزی را تأیید می کنید. جوابی که بیش از تأیید شخص به دنبال تأیید یک روش باشد، پاسخ مناسب تری است مثل این جمله در دعوی بین دو فروشنده: من بسا صداقت موافقم، برابرم فرقی نمی کند کدامیک از شما مغازه دارها باشد؛جوابی که فضا را خیلی جدی نکند.

#### از حرفهای طرف مقابل استفاده کنید

سعی کنید در جواب هایی که می دهید از حرف های مخاطب خود مطالبی را استفاده کنید، با این کار پاسخ شما برای مخاطب قابل قبول تر است.

#### احترام یادتان نرود

افراد مسن بر حرف خود اِستایی و پافشاری بیشتری دارند و احترام آنها هم واجب است. اگر لازم شد جوابی به بزرگ ترها بدهید. از آنجا شروع کنید که خود آنها قبول دارند و به آنجا برسید که هدف شما است و حتما با صدای آرام حرف بزنید تا بی احترامی نکرده باشید. هرگز در بین پاسخ های تان این حس را به آنها ندهید که از موضوع حرف شما سردرمنی آورند.

به هر حال اگر در مرز منطق بگذرید و جواب دادن را انقدر واجب بدانید که به زمان و مکان بیان آن دقت نداشته باشید، نتیجه ای جز ضعف روابط اجتماعی و فشار روانی عایدتان نمی شود. نشان خوب جواب دادن این نیست که هرچه را می دانید به زبان بیابورید بلکه آگاهی به شرایط و ضروریات هم جزو ملزومات حرف زدن است.

آشنایی با قرآن



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

#### تفسیر سوره هُمَزَه

در اینجا خدا از یک آتشیی در قیامت خبر می دهد که با آتشیهای دیگری که غالباً خبر داده است تفاوت می کند. می فرماید: نار الله الموقده آتش افروخته شده خدا آلتی تطلع علی الافنده آن آتشی که طلوع می کند و اشراف پیدا می کند بر قلبها، بر دلها، بر روحها.

#### دو نوع لذت و دو نوع رنج

انسان- باز به همان دلیلی که دارای آنچنان روح است- دو نوع لذت دارد و دو نوع رنج. انسان لذت جسمانی دارد مثل لذتی که از خوردن یک غذا می برد، و لذت روحانی دارد مثل لذتی که از یک بشارت به او دست می دهد.

اگر به دانشجوئی که در کنکور شرکت کرده خبر بدهند که قبول شدی، لذتی که او آنجا می برد لذت روحی است. لذت روحی و لذت جسمی چند فرق با یکدیگر دارند.

یکی از فرقیها این است که لذت جسمی احتیاج به یک محرک جسمانی دارد. مثلاً یک غذایی باید باشد تا انسان آن را به دهان بگذارد و بعد وجود، آن وقت این غذا تأثیر و تأثری با اعصاب انسان پیدا کند تا انسان لذت ببرد. پس به محرک خارجی احتیاج دارد.

و بعلاوه «عضوی» است یعنی یک عضو معین لذت می برد. وقتی که انسان غذا می خورد لذت را در دهانش احساس می کند، دیگر در دست یا پایش احساس نمی کند.

برعکس اگر انسان مثلاً دستش را روی جسمی بگذارد که از آن لذت ببرد، باز آن، دستش است که لذت می برد نه چشم یا گوش، یعنی جنبه عضوی دارد. درد جسمانی هم همین طور است. درد جسمانی نیز هم محرک خارجی لازم دارد، مثل اینکه خاری به پای انسان فرو می رود، و هم عضوی است یعنی هر جای جسم انسان درد بگیرد همان نقطه درد می گیرد.

یک وقت سر آدم درد می گیرد، یک وقت معده، یک وقت کبد، یک وقت دست و یک وقت پای انسان.

لذات روحی محرک مادی ندارد، برای اینکه گاهی انسان از یک اطلاع، از یک تصور لذت می برد. در حال خواندن یک کتاب است، یک مجوهلی دارد، مثل یک نفر محقق و متفکر همین طور بسا خودش فکر می کند، یک مرتبه راه حل این مجهول را پیدا می کند، غرق در لذت می شود.

محرک خارجی ندارد، و بعلاوه عضوی نیست. آدم نمی تواند نشان بدهد که این لذت را کدام عضو می برد، محل این لذت کجاست. انسان با تمام وجودش لذت می برد. وقتی به انسان بشارتی از یک آینده ای بدهند [او لذت می برد].

فرض کنید مرضی که احتمال می دهد بیماری او سرطان است، بعد آزمایش داده و در یک حال دغدغه فوق العاده ای است که ببیند جوابی که می آید چیست، وقتی جواب آزمایشها رسید و گفتند شما سالم هستید، این بیماری سرطان نیست، او لذت می برد. کجای بدنش لذت می برد؟ دستش لذت می برد یا پایش یا زبانش یا مغزش؟ هیچ کدام، بلکه با تمام وجودش لذت می برد.

آدم روحی هم همین طور است. درد روحی انسان هم، جنبه عضوی ندارد و گاهی آنچنان برای انسان دردناک و ناراحت کننده است که هیچ درد جسمی به آن نمی رسد.

انسان افرادی را می بیند که وقتی دچار یک ناراحتی روحی می شوند، در ظرف دو سه روز اصلاً مثل اینکه به کلی این آدم عوض شده. حالا اگر چه این شعر است ولی اجمالاً از مسئله رنج روحی حکایت می کند؛ می گوید:

در آتشم بیفکن و نام گنه میر

کانش به گرمی عرق انفعال نیست گاهی واقعاً خجالتها و شرمها در حدی موذی و اذیت کننده است که اگر به کسی بگویند حاضری تو را یک دقیقه در آتش بیندازیم یا اینکه این شرم و خجالت را بکنشی؟ حاضر است بروی در آتش.

[گفتیم افرادی] لذت می برند از اذیت کردن مردم اما نه اذیتی که مثلاً یک سیلی یا شلاق به مردم بزنند. آن هم چیز خیلی بدی است، ولی چنین فردی لذت می برد از اینکه دل مردم را آتش بزند؛ می گوید از اینکه آتشش زدم دل خودم خنک شد.

قرآن می گوید یک آتشی در آنجا هست که این آتش هم از همان اعماق دل و روح تو طلوع می کند؛ آن دیگر آتشی بالاتر از آتشیهای جسمانی است. آنها علیهم موصده. باز این تعبیر هم تعبیر خاصی است؛ می فرماید: این آتش بر اینها احاطه کرده است، به این معنا که از تمام جوانب بر اینها احاطه پیدا کرده است.

یک وقت فرض کنید آدم را می اندازند در آتش، از زیر پای انسان آتش بلند است؛ یک وقت آدم را به یک دیوار داغ یا به آتشی می چسبانند؛ و یک وقت از اطراف، از بالا و پایین و راست و چپ و زیر پا و بالای سر، از همه جا آتش بلند است.

در این آتش به روح مردم زدن و روح مردم را آتش زدن، آن کسی که آدم روحش را آتش می زند آتش را از کجا احساس می کند؟ از بالای روحش؟ از پایین روحش؟ از دست راست یا چپ؟ از همه جا، سراپای روحش غرق در آتش تو می شود. تجسم این آتش در آخرت این است که تو خودت در چنین آتشی گرفتار می شوی.

## جدول شماره ۹۵/۸۸۳

Table with 15 columns and 15 rows, containing a grid of numbers and symbols.

#### افقی:

- ۱-تبدیل می شود- از تیم های لیگ برتری فوتبال
۲-رایحه- از رونق افتاده- از هنگام گذشته
۳-موجودی مهیب و جسیم- راست- دارای نفوذ
۴-کندم آسیب شده- جمع فتنه- از بیماری های پوستی- صدای کلاغ
۵-از توابع استان مرکزی- ناشنوا- تکخال
۶-توانمندان- رصد
۷-خوشحالی- اولی- از شهرهای عراق
۸-اولین ماه پاییزی- تکرار یک حرف- مانع- شکاف کوچک
۹-روانی- از خبرگزاری های کشوری- میرا شده
۱۰-با گریه همراه است- مرکز لبنان- دروازه دهان
۱۱-نیکی- زینت سر- خط کش مهندسی- مایه حیات
۱۲-گرو- حبله- زندان- دستی
۱۳-از سایت های معروف- متخصص- روی زیربنا ساخته می شود
۱۴-نوعی آچار- چشمی- راه کوتاه شده
۱۵-تذکر- از مشاغل دامی

#### عمودی:

- ۱-نام یکی از انگشت ها- پیر مولوی
۲-برابر- تنبل- ول
۳-دزدیدن- بلند- اساس

جواب جدول شماره ۹۵/۸۸۳

Small grid puzzle with numbers 1-15 in columns and letters in rows.

- ۴-واحدی برای سنجش گرما- نظر- پدر زال- دوستی
۵-جمع افق- خالی از سکنه- جدید
۶-دفترچه حساب روز و ماه- دریا
۷-به بعدازظهر و نزدیک مغرب گفته می شود- اولین عدد- عامل یادآوری
۸-مطیع- مطابق میل زندگی کردن- از ادات تنبیه
۹-به جای سوم می گویند- ساز چوپان- وسیله آموچول زدن
۱۰-توان- از مصالح ساختمانی قدیم- ای
۱۱-دوستی- از توابع لارستان- مذکر
۱۲-نرم کننده- نقره- از الفبای یونانی- گل سرخ
۱۳-ساز و برگ- کِمباب- بدون ارزش
۱۴-رنگ- مته برقی- رود آرام روسی
۱۵-از به جای آوردنی ها- همچنین- نوعی غذایی اصفهانی

## شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است. تعدادی از خانهها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانههای خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود. اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می شود و نباید تکراری باشند.

9x9 grid with some numbers pre-filled, used for a Sudoku puzzle.

## جدول شماره ۹۵/۳۴۶

9x9 grid with some numbers pre-filled, used for a Sudoku puzzle.

سودوکو